

نقش علم و دین در خودسازی انسان

دو امتیاز اساسی، انسان را از دیگر موجودات متمایز می‌سازد و در صورت عدم وجود این دو امتیاز، برتری انسان تنها در استفاده بهتر و شاید هوشمندانه‌تر از طبیعت، خلاصه می‌شود. این دو گوهر متعالی در ذات وجود انسان بالقوه به ودیعه نهاده شده و در صورت استفاده بهینه از آن و بالفعل نمودن این قوای ارزشمند، میتوان به درجات والایی نائل آمد. این دو گوهر ارزشمند، به بینشها و گرایشهای انسان مربوطند و آدمی را در این دو حوزه بر دیگر موجودات برتری می‌بخشند. انسان همانگونه که از توانایی در این دو حوزه بهره میجوید در عین حال از محدودیت هائی در این دو ناحیه نیز رنج می‌برد. به این معنا که توانایی انسان در بینش و گرایش نامحدود نبوده و شعاع این توانایی، تنها محدوده ای خاص را پوشش می‌دهد و با تکیه بر این شعاع نمی‌توان همه زوایای حیات را روشن نمود.

بالفعل نمودن استعدادهاي نهفته در نهاد بشر، تنها در سایه وحی الهی ممکن بوده و انسان تنها با بهره جستن از وحی میتواند آنگونه که شایسته ظرفیت وجودی اوست به زندگی خود معنا و قوام داده و مقام والای خلیفه‌الهی را احراز نماید، در غیر اینصورت او موجودی خواهد بود که تنها حامل استعداد انسان بودن است و نه انسان کامل آنگونه که مورد نظر دین است.

در اینجااست که ضرورت دین و دینداری و قلمرو وسیع آن، خود را نمایان می‌سازد. دین توانایی انسان را در دو حوزه بینش و گرایش پرورش می‌دهد و انسان حقایقی را که معرفت به آن تنها در سایه وجود وحی ممکن است، خواهد آموخت. همانگونه که بدان اشاره نمودیم دین در ناحیه گرایشها نیز، توانایی انسان را افزایش میدهد. در این زمینه می‌توان از تقویت نیروی اراده و تصمیم سخن گفت، بعنوان مثال صرف نظر کردن از خوردن و آشامیدن در ماه مبارک رمضان، باعث تقویت اراده فرد و افزایش توانایی او در تصمیم گیری می‌گردد.

روح انسان دارای خصوصیتی است که در صورت گرایش به عملی و انجام آن، تمایل به تکرار آن دارد، این خصوصیت روحی را “عادت” می‌نامند. روح انسان تمایلی به ترك حالتی که بدان عادت نموده، نداشته و تنها با اعمال اراده میتواند روح را مجبور به ترك این حالت (عادت) نمود. با تقویت اراده میتواند عادات روحی را تغییر داد و این مهم را دین از طریق توصیه به انجام امور مختلف مذهبی از جمله “روزه گرفتن” تامین می‌نماید. حتی علم نیز نمی‌تواند این گرایش را بدینگونه و با رضایت خاطر مخاطبین خود برای آنان تضمین نماید. همانگونه که می‌دانیم اکثر اشخاصی که مواد تخدیر کننده چون سیگار

استعمال می کنند از خطرات این کار مطلع بوده و علیرغم علم بر این موضوع به استعمال و تکرار آن مبادرت می ورزند.

نقش دین در خودسازی انسان

ما در دو ناحیه بینش و گرایش محدود هستیم و این موضوعی است که صاحبان اندیشه و معرفت، به آن اذعان دارند. اندیشمندی صاحب‌دل در این زمینه می گوید، زمانی که ما دانشمندان قرن 19 و قرن بیستم را با هم مقایسه می کنیم، به این موضوع پی می‌بریم که دانشمندان متأخرتر متواضع‌تر از دانشمندان متقدمند و این تواضع علمی در دانشمندان قرن بیستم بخصوص در رشته فیزیک مشهودتر است. برخی از دانشمندان پر مدعای قرن نوزدهم، از کشف تمام رازهای زمین و آسمان خبر میدادند و گلایه از عدم وجود مجهولات داشته و مسئله وجود آفریدگار را منتفی اعلام می نمودند! و در مقابل، دانشمندان متأخرتر (دانشمندان قرن بیستم) که بر دانش آنان افزوده شده بود پس از یک قرن کاوش نظری و علمی از بضاعت اندک دانستنیها در مقابل مجهولات سخن می‌رانند، آنان اینک این سخن افلاطون را نیک دریافته اند که گفت: "دانا کسی است که بداند هیچ نمی‌داند." (بدین معنا که آنچه می‌داند در برابر آنچه نمی‌داند ناچیز است)

برخی از دانشمندان در زمینه پیدایش آفرینش معتقدند که تمام جهان در ذره ای کوچک و پر حرارت که آنرا سینگولاریتی مینامند، متراکم بود و موقعیت زمانی آنرا عدد ده به توان منفی 43 ثانیه تخمین می‌زنند. این ذره بسیار کوچکتر از اتم و بسیار پر حرارت‌تر از خورشید حاوی تمام اطلاعات و نقشه‌های جهان بود. انفجار حاصل در این ذره (بیگ بنگ) موجب پیدایش جهان و گسترش آن گردید. در زمان ده به توان منفی 35 ثانیه، کوارکها و آنتی کوارکها جهان را تشکیل می‌دادند. در زمان ده به توان منفی 43 ثانیه پروتونها و نوترونها و ضد آنها بوجود آمدند. و در زمان یک ثانیه، اولین الکترونها پا به عرصه وجود نهادند. سیصد هزار سال بعد، الکترونها به دور پروتونها به گردش درآمدند و اتمها تشکیل شدند. ستارگان و سیارات در اثر پیوستن ذرات پراکنده که اینک بصورت غبار بهم پیوسته در آمده بودند، بوجود آمد. برخی از دانشمندان موقعیت فعلی دانش امروز را به زمان اولین انفجار تشبیه کرده و با آن دوره مقایسه می‌نمایند و معتقدند اگر علم تکامل جهشی خود را ادامه دهد ممکن است که در آینده بتوان تا حدودی به راز مهم پیدایش جهان و چگونگی خلق آن از طرف خداوند پی برد. لیکن دانش امروز از مسائل و تفصیل قبل از زمان مذکور همچنان ناآگاه است. محدودیت دانش انسان در حوزه‌های مختلف اثبات پذیر بوده و حتی در محسوس‌ترین و مشهودترین آنان یعنی اندام خود دارای فقر معرفتی فروان است و هر روز همانگونه که بر معلومات او افزوده می‌شود، مجهولات او نیز افزایش می‌یابد. اگر نسبت معلومات او به مجهولاتش حتی نسبت به امور محسوس اینگونه باشد، میزان دانش او به غیر محسوسات چگونه خواهد بود؟ انسانی که در آنات و لحظات مختلف، نیازهای متضادی را در خود احساس می‌کند، انسانی که چندی شدیداً به معنویات متمایل می‌شود و گاهی چنان در مادیات غوطه‌ور میگردد که هیچ‌گونه رد پایی از

معنویت در او نمی یابی، چگونه موجودی است؟ انسان موجودی پیچیده است و صاحب ابعادی پنهان. در ابعاد دیگر نیز انسان از همین فقر معرفتی رنج می برد. سؤالات فراوان و مجهولات فراوان در همین کره زمین پیش روی انسان قرار دارد، مثلاً آیا ما پاسخ این سؤال را یافته ایم که مثلث برمودا چیست؟ آیا این مثلث حقیقت دارد و یا حاصل خیالبافی بشر است؟ اگر از زمین فاصله بگیریم به شگفتی های این جهان که بصورت مجهولات فعلی در آمده است، بیشتر پی می بریم. در رابطه با قطر کهکشان شیری گفته می شود که اگر با سرعت نور از آن عبور کنیم، طی این مسافت به 100 هزار سال نیاز خواهد داشت.

این کهکشان جزء کوچکی از جهان شناخته شده است، وسعت يك گودال سیاه که در کهکشان قرار دارد به حدی است که سه میلیارد ستاره به حجم خورشید را می تواند در خود M87 جای دهد. دانشمندان معتقدند بیش از یکصد میلیارد کهکشان که بسیاری از آنها بزرگتر از کهکشان راه شیری هستند، در جهان وجود دارند. از اینجا می توان تا حدودی به عظمت و وسعت جهان ناشناخته پی برد. بنابراین انسان که حتی در شناخت بدن و روح خود و در شناخت عالم جسمانی اینگونه ناتوان است، ادعای گزافی خواهد بود که خود را عالم بر جهان دانسته و در توانایی بینش و شناخت خود اغراق نماید. در اینجا نیاز او به دین، که نقطه اتصال این موجود محدود به وجود مطلق و بی نهایت است آشکارتر می گردد. همانگونه که قبلاً نیز بدان اشاره نمودیم انسان در هر دو حوزه بینش و گرایش ناتوان بوده و تنها در پرتو حضور وحی می تواند راه کمال خود را بیابد. اما نکته ای که لازم است در انتها بدان اشاره شود این است که تقویت بینش و دانش بدون التزام عملی به آن، هادی و ناجی انسان نخواهد بود. دین همانگونه که به کسب معرفت توصیه می نماید در عین حال، التزام عملی بدان را نیز از یاد نبرده و گرایشات متعالی انسان را مورد تمجید قرار داده است. حرکت در جهت کاوشهای نظری و تقویت عقل عملی همیشه مورد تأیید دین بوده و سستی و کاهلی در کسب معرفت مورد سرزنش قرار گرفته است. علم و عمل دو مقوله ای هستند که همیشه مورد توجه دین بودند. توجه به این دو پدیده در ادبیات ما نیز جایگاه ویژه ای داشته و شعرا و ادیبان از زوایای مختلف بدان پرداخته و دانش بدون گرایش صحیح و دانشمندان بی عمل را نکوهش نموده اند. در پایان، قرأت قطعه شعری از شاعره ایران زمین پروین اعتصامی که بی ارتباط با موضوع مورد بحث ما نیز نمی باشد خالی از فایده نخواهد بود.

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت
مست گفت ای دوست این پیراهن است افسار نیست
گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی
گفت جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست
گفت باید تا تو را در خانه قاضی برم
گفت رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست
گفت نزدیک است والی را سرا آنجا شویم
گفت والی از کجا در خانه خمار نیست

گفت مستي زين سبب از سر در افتادت کلاه
گفت در سر عقل بايد بي کلاهي عار نيست
گفت ديناري بده پنهان و خود را وارهان
گفت کار شرع کار درهم و دينار نيست
گفت بايد حد زند هشيार مردم مست را
گفت هشياري بيار اينجا کسي هشيार نيست